



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته حقوق بین الملل

ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین المللی

استاد راهنما

دکتر محمد جواد شریعت باقری

استاد مشاور

دکتر سید علی آزمایش

نگارنده

میشم نوروزی

سال تحصیلی 89- 1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

شهدای مظلوم منطقه ماووت

با صمیمانه ترین سپاس ها از

جناب آقای دکتر محمد جواد شریعت باقری
که با راهنمایی شان توانستم بار تکلیف را با سرمشق ایشان سبک کنم

و

جناب آقای دکتر سید علی آزمایش
که حاصل این وجیزه جز با عنایت خاص ایشان به ثمر

نمی نشست .

و نیز با سپاس ویژه از استاد محترم داور جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی
که چون میزان حق، خطوط سقم و خطای کارم را سنجیدند.

و قدردانی از آقایان : دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی ، دکتر همایون حبیبی، دکتر منصور جباری، دکتر محمدعلی صلح چی، دکتر محمد شمسایی، دکتر فیصل عامری، دکتر مهیار داشاب، دکتر بهزاد رضوی فرد و دیگر اساتیدی که به نور دانش آنها مسیر کارشناسی ارشد را در این دانشگاه به مقصد رساندم.

و پدرم که جز بوی لباش چیزی از او به یادگار ندارم.

فهرست اجمالی مطالب

شماره صفحه

مقدمه.....9

بخش اول : ضمانت اجراهای ناشی از حقوق بین الملل

فصل اول : ضمانت اجراء در سیستم حقوق بین الملل.....26
فصل دوم : ضمانت اجراء در برخی نهادهای بین المللی.....40
فصل سوم : ضعف و نواقص ضمانت اجراء در حقوق بین الملل.....47

بخش دوم: ضمانت اجراهای ویژه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

فصل اول: مجازات (کیفرها) و نحوه اجراء در دیوان؛ در قیاس با سایر دادگاههای کیفری بین المللی 51
فصل دوم : همکاریها با دیوان در جهت اجرای موثر تصمیمات آن.....74
فصل سوم : ارتباط دیوان با سازمان ملل در جهت اجرای موثر تصمیماتش.....98
فصل چهارم : ضعف های دیوان در جهت ضمانت اجرای تصمیماتش.....108

نتیجه گیری.....115

منابع.....124

ضمایم و پیوست ها.....134

فهرست تفصیلی مطالب

شماره صفحه

مقدمه

1. بیان مسئله.....9
2. دیوان کیفری بین المللی.....16

بخش اول : ضمانت اجراهای ناشی از حقوق بین الملل

- فصل اول : ضمانت اجراء در سیستم حقوق بین الملل26
- گفتار اول : واژه شناسی Sanction در حقوق بین الملل33
- مبحث اول: ضمانت اجراء Sanction.....33
- مبحث دوم : ریشه لغوی و سیر تحول ادبی واژه Sanction.....34
- گفتار دوم : توصیف حقوقی ضمانت اجراء در عرصه بین المللی35
- گفتار سوم : انواع ضمانت اجراهای بین المللی.....37
- فصل دوم : ضمانت اجراء در برخی نهادهای بین المللی قبل از تدوین منشور و بعد از تأسیس سازمان ملل متحد

- گفتار اول: قبل از تشکیل جامعه ملل.....40
- گفتار دوم: بعد از تشکیل جامعه ملل.....41
- مبحث اول : ضمانت اجراهای نظامی میثاق جامعه ملل.....42
- مبحث دوم : ضمانت اجراهای غیر نظامی میثاق جامعه ملل42
- گفتار سوم: ضمانت اجراها در منشور ملل متحد43
- مبحث اول: ضمانت اجراهای سیاسی منشور.....43
- مبحث دوم : ضمانت اجراهای نظامی منشور.....44
- مبحث سوم : نقش سازمانهای منطقه ای در اعمال ضمانت اجرای نظامی.....45
- مبحث چهارم : امتناع دولتهای عضو از اعمال ضمانت اجرای غیر نظامی.....45
- فصل سوم : ضعف و نواقص ضمانت اجراء در حقوق بین الملل.....47

بخش دوم: ضمانت اجراهای ویژه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

- فصل اول: مجازات(کیفرها) و نحوه اجراء در دیوان و در قیاس با سایر دادگاههای کیفری بین المللی.....51
- گفتار اول : پیشینه مجازات و کیفرها در حقوق بین الملل کیفری51
- گفتار دوم : سوابق بین المللی اعمال ضمانت اجرای کیفری بین المللی52
- گفتار سوم: کیفر و مجازات در دیوان های کیفری بین المللی52
- مبحث اول: کیفر در دیوان کیفری بین المللی52
- مبحث دوم : تعریف کیفر در حقوق کیفری بین المللی.....53
- گفتار چهارم : ماهیت مجازاتها و نحوه اجراء در دادگاههای کیفری بین المللی و دیوان.....53

53.....	مبحث اول : مجازاتها و نحوه اجراء در دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا.....
53.....	بند الف: مجازاتها در اساسنامه.....
54.....	بند ب: اجرای مجازاتها.....
55.....	بند ج : مکان اجرای مجازات زندان.....
56.....	بند د: ضمانت اجراء در دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا
58.....	بند ح: مجازات عدم همکاری دولتها در اجرای احكام دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا
58.....	مبحث دوم : مجازاتها و نحوه اجراء در دیوان کیفری بین المللی
58.....	بند الف : مجازاتها در اساسنامه.....
59.....	بند ب : نحوه اجرای مجازاتهای دیوان.....
62.....	بند ج : اجرای موثر احكام در دیوان.....
62.....	بند د : اجرای تصمیمات دیوان و ضمانت اجرای اربعی آن در نزد افکار عمومی
66.....	گفتار پنجم : مطلوبیت موثرتر دیوان در اعمال ضمانت اجراء نسبت به دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا
	فصل دوم : همکاریها با دیوان کیفری بین المللی در جهت ضمانت اجرای موثر تصمیمات آن
74.....	گفتار اول: ضرورت همکاریها با دیوان.....
74.....	گفتار دوم : همکاریها با دیوان کیفری بین المللی
75.....	مبحث اول : همکاری بین المللی و معاضدت قضایی.....
77.....	مبحث دوم : معاضدت قضایی در اجرای عدالت کیفری
78.....	مبحث سوم : همکاری سایر ارگانهای دیوان
80.....	مبحث چهارم : همکاری دولتها.....
80.....	بند الف : ضرورت همکاری دولتها
82.....	بند ب : روش همکاری دولتها
83.....	بند ج : موارد معاضدت دولتها با دیوان (طبق اساسنامه).....
86.....	بند د : معاضدت قضایی ارکان ذی ربط دولتها با دیوان
89.....	گفتار سوم : واکنش ها به عدم همکاری با دیوان.....
89.....	مبحث اول : واکنش های حقوقی
93.....	مبحث دوم : واکنش های غیر حقوقی
96.....	گفتار چهارم : نمونه های همکاری و همکاری دیگر نهادها با دیوان
97.....	مبحث اول : همکاری نیروهای حافظ صلح شورای امنیت.....
97.....	مبحث دوم : همکاری اشخاص.....
98.....	فصل سوم : ارتباط دیوان کیفری بین المللی با سازمان ملل در جهت اجرای موثر تصمیماتش.....
98.....	گفتار اول : ارتباط دیوان با سازمان ملل متحد.....
99.....	مبحث اول: ارتباط حقوقی دیوان.....
101.....	مبحث دوم: ارتباط کاری دیوان
101.....	گفتار دوم : ارتباط دیوان با شورای امنیت
101.....	مبحث اول: ارتباط شورای امنیت با دیوان در جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی
102.....	مبحث دوم : صلاحیت شورای امنیت در تشکیل محاکم کیفری بین المللی.....
103.....	مبحث سوم : همکاری شورای امنیت با دیوان
103.....	بند الف : نقش شورای امنیت در مرحله تعقیب و تحقیق جرایم مشمول صلاحیت دیوان
103.....	بند ب : اختیار شورای امنیت در ارجاع وضعیت به دیوان
107.....	بند ج : نقش شورای امنیت در اجرای مجازات حبس.....
108.....	فصل چهارم : ضعف های دیوان کیفری بین المللی در جهت ضمانت اجرای تصمیماتش.....
108.....	گفتار اول : ارتکاب جرائم بین المللی از جانب نیروهای شورای امنیت و یا با مجوز شورای امنیت.....

109	گفتار دوم : معوق نگه داشتن روند رسیدگی در دیوان از سوی شوای امنیت و ناسازگاری آن با فلسفه تاسیس محاکم کیفری
110	گفتار سوم : سایر ضعف ها از جهت ضمانت اجراء در دیوان
110	مبحث اول: ضعف ضمانت اجراء در اساسنامه دیوان
112	بند الف: ارزیابی اساسنامه دیوان
113	بند ب: کاستی های اساسنامه دیوان
114	مبحث دوم : عدم همکاری دولتها
115	نتیجه گیری
124	منابع
134	ضمایم و پیوست ها

مقدمه

1. بیان مساله

با قاطعیت می توان گفت که بیزاری از ستمگر و کوشش در جهت تحقق عدالت را کلیه ادیان و مذاهب، اعم از ادیان توحیدی و مذاهب دیگر یکی از اهداف مهم و عمده در دستورات و تعالیم خود قرار داده اند. علاوه بر آن تجلی واقعی عدالت و مجازات ستمگران در جهان آخرت نیز وعده داده شده است. چند صباحی پیش کمتر کسی گمان می کرد در جامعه بین المللی متشکل از دولت های حاکمیت محور، بتوان شاهد ایجاد یک دادگاه کیفری بین المللی بود که قادر به تعقیب و مجازات مرتکبان جنایات بین المللی باشد بی آن که بر مصونیت و سمت متهمان وقعی بنهد، بی آن که تأکید دولت ها بر اولویت صلاحیت دادگاه های ملی شان مانعی عبور ناپذیر در این راه به شمار آید، و بی آن که عدم پذیرش اساسنامه آن حصارى مطمئن در مقابل اعمال صلاحیت آن دادگاه در به مجازات رساندن فجیع ترین جنایات بین المللی تلقی شود. از آن روزی که دنیا نتوانست مجازات بزرگترین جنایت کار جنگی معاصر یعنی هیتلر را ببیند، همواره به دنبال فرونشاندن عطش کیفردهی قانون مند جنایتکاران بین المللی بوده است. متفکران یونانی گفته اند اگر جنایتی بی کیفر بماند تمدن را آلوده و بیمار خواهد کرد، اما محکومیت یک بی گناه یا مجازات بیش از اندازه یک جرم موجب تباهی تمدن نخواهد شد.¹

در ابتدا حاکمیت مطلق فرض می شد و تنها قدرت و اشکال متعددی از آن همچون توازن قدرت، حاکمیت دولتها را محدود می کرد. اما با مرور زمان و با نضج گرفتن حقوق بین الملل و عضویت دولتها در معاهدات و سازمانهای بین المللی و منطقه ای مختلف، ضمن محدود شدن توسل به زور، برای حاکمیت مطلق و بی حد و حصر نیز محدودیت هایی در قبال رفتار یک دولت با دولتهایی دیگر و مردم خود ایجاد شد.

¹. بهزاد رضوی فرد، " دورنمای کیفرهای بین المللی در تعامل میان حقوق بین المللی کیفری و حقوق کیفری بین المللی "، (مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی، زیر نظر نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان، چاپ نخست، بهار 1388). ص 329.

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش 31 ژانویه 1992 به شورای امنیت می نویسد :

((احترام به حاکمیت ... برای هرگونه پیشرفت مشترک بین المللی امری حیاتی می باشد . ولی زمان حاکمیت مطلق و انحصاری سپری شده است و تئوری آن با واقعیت منطبق نبوده است¹)). اگرچه تردیدهایی نیز در مورد پذیرش این موضوع به عنوان حقوق بین الملل جدید ابراز شده است .

اما یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولتها می باشد که در بند 7 از ماده 2 منشور ملل متحد به آن اشاره شده است از سوی دیگر (صلاحیت داخلی²) مفهومی نسبی و انعطاف پذیر است و معیاری در مورد آن در منشور مشخص نشده است . اگرچه به زعم عده ای عملکرد سازمان ملل به نفع معیارهای سیاسی بوده چرا که در عمل، تشخیص داخلی یا بین المللی بودن موضوع به ارگان های سیاسی آن یعنی مجمع عمومی و شورای امنیت سپرده شده است³ اما با توجه به عملکرد سازمان می توان چند معیار در مورد مسائل خارج از صلاحیت داخلی دولتها بر شمرد، موضوعاتی که باعث تجاوز به حقوق دولتهای دیگر ، تهدید صلح و امنیت بین المللی، یا موجب نقض اساسی حقوق بشر می شوند و یا مربوط به پیشرفت مستعمره ای به سوی خود مختاری می باشند، از صلاحیت داخلی دولتها خارج هستند.

باید توجه داشت که فراتر از قواعد مبتنی بر معاهده ، قواعدی وجود دارد که برای کل بشریت الزام آور می باشند . با اهمیت تدریجی این قواعد آمره و قرارگرفتن موضوعاتی نظیر عدم تبعیض نژادی و عدم نسل کشی در ردیف آنها، قواعدی چون اصل عدم مداخله با مشکل روبه رو شده اند و دولتها دیگر نمی توانند با تکیه بر آنها به هر کاری اقدام کنند . باید گفت « اصل عدم مداخله در امر داخلی دولتها نمی تواند به عنوان مانعی باشد که در پس آن، دولتها مبادرت به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر نمایند⁴». بنابراین اندیشه و شکل گیری تأسیس دیوان کیفری بین المللی راهی برای به منظور جلوگیری از موارد نقض حقوق بشر در داخل کشورها شد؛ چرا که محاکمه مرتکبان جنایات

¹ . نگاه سرخیل ، " رابطه صلاحیت شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی " (پایان نامه ارشد . دانشگاه علامه . 1382) ص 65 ، به نقل از :

Boutros _ Chali , an agenda for peace , un . ۱۹۹۲ .

^۲ . Internal jurisdiction .

³ . نگاه سرخیل ، همان به نقل از :

Gordon . op . cit , pp. ۵۳۴_ ۵۳۵ .

^۴ . Peace and forsythe .

بین المللی وظیفه ای است که ما نسبت به انسانیت خود و جلوگیری از قربانی شدن آیندگان داریم.¹ وجود دیوان کیفری بین المللی نماد و تجسم برخی ارزش ها و آرزوهای بنیادی مشترک میان تمام مردم جهان است و از این جهت یک پیروزی برای تمام آن ها به شمار می رود.

دیوان کیفری بین المللی به حکومت ها یادآوری می کند که واقع بینی سیاسی که عدالت را در مذبح سازش های سیاسی قربانی می کند دیگر پذیرفته نیست. و نیز وجود آن تصدیق این امر است که دیگر بی کیفر ماندن جنایتکاران مسئول «کشتار جمعی»، «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگ» قابل چشم پوشی نیست. وجود این دیوان تأیید بر این نکته است که عدالت بخش جدا ناپذیر صلح است. به گفته پاپ پل ششم: «اگر صلح می خواهید برای عدالت تلاش کنید». این ارزش ها صراحتاً در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بیان شده است.²

اگرچه دیوان کیفری بین المللی اکسیر تمام دردهای بشر نیست، به کشمکش ها پایان نمی دهد، به قربانیان حیات نمی بخشد، وضع پیشین رفاه و آسایش را به بازماندگان بر نمی گرداند و همه جنایتکاران را هم به پیشگاه عدالت نمی کشاند، لیکن، این دیوان می تواند راهی برای اجتناب از برخی کشمکش ها باشد. شمار قربانیان را کاهش دهد و از برخی جنایتکاران حساب بخواهد. به این اعتبار، دیوان کیفری بین المللی همانند سایر نهادهای حقوقی ملی و بین المللی کمک خواهد کرد تا تمدنی انسانی تر داشته باشیم.

سرانجام، دیوان کیفری بین المللی به ما یادآوری می کند که جنایات وحشتناک را فراموش نکنیم و این هشدار زیبای ژرژ سانتایانا را آویزه گوش کنیم که «کسانی که درس های گذشته را فراموش می کنند محکوم اند که اشتباه های خود را تکرار کنند». و در نهایت، اگر دیوان کیفری بین المللی تنها حیات یک تن را نجات دهد هم چنان که در تالمود آمده است مانند آن است که حیات تمام بشریت را نجات داده است...»³. که در قرآن (آیه 32 سوره مائده) نیز بدان اشاره شده است. بنابراین شگفت نیست اگر در جامعه بین المللی، آرمانهای صلح خواهانه فلاسفه و متفکران بر پایه دادگستری و عدالت خواهی استوار باشد. امروزه بیداری و آگاهی فزاینده ملتها به تاریخ، مایه ظهور وجدان همگانی بشریت و تشکیل عامل نو پدیده افکار عمومی جهانی در روابط بین المللی شده است. جامعه

¹ M. Cherif Bassiouni, " Searching for peace and Achieving Justice , The Need for Accountability " , in : Nikos passas (ed), International Crimes , Ashgate , ۲۰۰۳ , p. ۱۳۱.

² محمد علی اردبیلی ، حقوق بین الملل کیفری ، (گزیده مقالات 1 ، میزان . چاپ چهارم . زمستان 1387) . ص 22.

³ محمد علی اردبیلی ، همان ، به نقل از :

بشری اکنون از برکت این وجدان، تجاوز و زورگویی را به زودی و به آسانی از یاد نمی برد و روا نمی دارد که عاملان آن بی کیفر باقی بمانند¹. بنابراین به نظر می رسد باید محکمه ای وجود داشته باشد تا مجرم را به سزای اعمالش برساند، بدون آنکه دیگران در تعاقب آن صدمه ببینند. از سوی دیگر تجربه تلخ جنگ های داخلی در کشورهایی از قبیل سومالی، بوسنی، رواندا، هائیتی و افغانستان و دیگر سرزمین ها نشانگر آن است که درگیری ها و خشونت ها حتی با حضور سربازان حافظ صلح سازمان ملل متحد ادامه خواهد داشت، مگر آنکه طرفین درگیری احساس کنند که عدالت کیفری در حق آنها توسط یک محکمه عدالت بین المللی رعایت خواهد شد.

اندیشه تأسیس یک مرجع دادرسی بین المللی برای رسیدگی به نقض مهم ترین ارزش های انسانی که رفته رفته در حقوق بین الملل به جنایات بین المللی شهرت یافت به سال های بسیار دور بر می گردد. نخستین کسی که چنین اندیشه ای را ابراز کرد گوستاو موبینیه سویسی، یکی از بانیان صلیب سرخ جهانی بود. وی در گزارشی که در 1872 به کمیته بین المللی کمک به مجروحان نظامی تسلیم نمود تأسیس دادگاهی مرکب از پنج عضو (دو عضو منتخب هر یک از دولت های متخاصم و سه عضو منتخب دولت های بی طرف) را که صلاحیت رسیدگی به موارد نقض کنوانسیون ژنو 1864 را داشته باشد پیشنهاد نمود. در واقع، رخدادهای نفرت انگیز به هنگام جنگ فرانسه و پروس و وحشی گری های سپاهیان از دو طرف در طی سال های 1871 او را به این تفکر سوق داد. لیکن پیشنهاد او با استقبال رو به رو نشد. موبینیه بار دیگر در اجلاس کمبریج مؤسسه حقوق بین الملل در 1895 پیشنهاد خود را مطرح کرد که این بار نیز پیشنهاد او را به دلیل این که صلاحیت مراجع قضایی ملی را نادیده گرفته بود رد نمودند در حالیکه پیش از آن نیز جز مواردی از دادگاه های همگانی از جمله دیوانی که در سال 1474 در آلمان به منظور محاکمه 27 قاضی رومی-ژرمنی به اتهام نقض قوانین خداوند و انسانها و با ترکیبی از قضات ملل مختلف برگزار گردید نشانی در خاطره تاریخ از وجود یک مرجع قضایی بین المللی ثابت نمی توان یافت². دیوان کیفری بین المللی، با هدف اجرای عدالت بین المللی و حفظ صلح و امنیت و آسایش کلیه ملت های جهان می تواند به عنوان یکی از نهادهای موثر در اجراء و تحقق حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی، نقش قابل ملاحظه ای را ایفا نماید و چنانچه دیوان دچار سیاست زدگی نشود، گامی موثر در تحقق صلح و عدالت جهانی خواهد برداشت و قواعد حقوقی مورد قبول و اهتمام جامعه بشری نیز نهادینه و استوار می گردد.

پس از تأسیس دادگاههای نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو در سال 1945 و 1946 و محاکمه و مجازات جنایتکاران بزرگ جنگ جهانی دوم توسط آنها، جامعه بین المللی دیگر شاهد اجرای عدالت

¹. حمید عنایت، فلسطین و حقوق بین الملل، (تهران: انتشارات امیر کبیر، 1345)، مقدمه کتاب.

². محمد علی اردبیلی، حقوق بین الملل کیفری، همان، ص 14.

توسط یک دادگاه کیفری بین المللی نبود تا اینکه در سالهای اخیر وبعد از پایان جنگ سرد، ابعاد وسیع و دهشتبارکشتار جمعی، اخراج و تبعید غیر نظامیان و سوءاستفاده از آنها، موجب تأسیس دو دادگاه بین المللی توسط شورای امنیت در سالهای 1993 و 1994 به ترتیب برای تعقیب مسئولین نقض های عمده حقوق بین الملل بشردوستانه در یوگسلاوی سابق و رواندا گردید، اما همه اینها موقتی بود. سرانجام در اول ژوئیه 2002 (دهم تیر ماه 1381) رویای دیرینه جامعه بشری برای ایجاد یک دادگاه جزائی بین المللی به طور دائم به واقعیت پیوست، ووظیفه دولتها اعم از عضو و غیر عضو بر کمال همکاری با این دیوان در جهت اجرای موثر تصمیماتش بنا نهاده شد. این دیوان نیز در مقامی است که می تواند از دولتهای عضو تقاضای همکاری بنماید. نقش شورای امنیت نیز در همکاری بین المللی و معاضدت قضایی با دیوان بدین اینگونه است که در صورتی که دولتها در مقابل درخواست دیوان مبنی بر همکاری بین المللی در راستای تعقیب و تحقیق مشمول صلاحیت دیوان از ارائه همکاری امتناع نمایند، شورای امنیت با توجه به وضعیتهای مختلف واکنش هایی به شرح ذیل اعمال می دارد:

الف). صورتی که شورای امنیت خود ارجاع دهنده وضعیت است - این حالت به سه صورت ممکن است مطرح گردد:

اول : دولت ممتنع عضو دیوان است - در این صورت اساسنامه در ماده 87 مقرر می دارد: هرگاه یکی از دولتهای عضو بر خلاف مقررات این اساسنامه به درخواست همکاری دیوان ترتیب اثر ندهد و بدین ترتیب دیوان را از اجرای وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارد باز دارد، دیوان می تواند مسئله را ... نزد شورای امنیت مطرح نماید .

دوم : دولت ممتنع عضو اساسنامه نیست - بر اساس بند 5 ماده 87 اساسنامه دیوان اگر برای همکاری بین المللی با دیوان اقدام به تنظیم موافقتنامه ای کرده باشد، در صورت امتناع از همکاری به نحو مقرر در اساسنامه، دیوان می تواند موضوع را ... به اطلاع شورای امنیت برساند .

سوم : دولت غیر عضو هیچ گونه قراردادی در مورد همکاری با دیوان تنظیم نکرده است، گرچه اساسنامه در این مورد ساکت است، اما نظریه ی قابلیت دخالت شورای امنیت در این فرض قابل توجه و بررسی است .

بدین ترتیب اثر عدم همکاری دولتهای غیر عضو که توافقنامه همکاری را با دیوان امضاء کرده اند اعلام موضوع به شورای امنیت است . حال مسئله قابل بررسی در این تحقیق این است که چه آثاری از نظر حقوقی بر اعلام عدم همکاری دولتهای غیر عضوی که هیچ گونه قراردادی در مورد همکاری با دیوان تنظیم نکرده اند مترتب است؟ و در این حالت دیوان از چه ضمانت اجرایی در تصمیماتش برخوردار می باشد؟ از طرف دیگر با توجه به اینکه دیوان کیفری بین المللی در موارد ارتباط میان

دیوان و شورای امنیت از تصمیمات شورا تاثیر می پذیرد، این نکته قابل بررسی است که آیا دکتترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت در حوزه ارتباطی بین شورا و دیوان می تواند موثر باشد؟ زیرا با توجه به اختیاراتی نظیر ارجاع وضعیت، تسهیل همکاری بین المللی و معاضدت قضایی بین دیوان و دولتها، تعلیق تحقیق و تعقیب و تشخیص عمل تجاوز که بر طبق اساسنامه دیوان به شورای امنیت واگذار شده است، دکتترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت می تواند به عنوان مانعی دیگر در اعمال وظایف و صلاحیت های دیوان و تحقق عدالت کیفری جهانی باشد. این در حالی است که، مصوبین اساسنامه دیوان که خود از اعضای ملل متحد هستند، چنین توسعه ای را پیش بینی کرده اند. اما موارد اعمال این دکتترین را باید بعد از تشکیل دیوان در رویه عملی شورای امنیت جستجو کرد، در این راستا می توان به قطعنامه اخیر شورای امنیت (2002-1422) در خصوص مصونیت صلح بانان سازمان ملل از تعقیب در دیوان کیفری بین المللی اشاره کرد که صلح بانان آمریکایی را مصون از تعقیب در دیوان تلقی کرده است. این وضعیت می تواند مانعی پایدار و مهم در تحقق عدالت کیفری بین المللی و ضمانت اجرای موثر تصمیمات دیوان کیفری باشد. در این تحقیق به ضمانت اجرائی که دیوان در تصمیماتش از آن برخوردار می باشد و نیز بررسی تطبیقی این ضمانت اجراها با سایر دادگاههای کیفری بین المللی که به طور موقت تشکیل شده اند پرداخته خواهد شد. پس از آن نیز به ارتباط دیوان کیفری بین المللی با سایر نهادها (از جمله سازمان ملل متحد و مهم ترین رکن آن یعنی شورای امنیت) اشاره خواهد شد. در واقع در این تحقیق موضوع مورد بررسی بر این دو سوال اصلی بنا نهاده شده است که 1. دیوان کیفری بین المللی از چه ضمانت اجرائی در اجرای تصمیماتش برخوردار می باشد؟

2. آیا ضمانت اجراهای پیش بینی شده در اساسنامه، کافی برای اجرای موثر تصمیمات دیوان هستند؟

و دو سوال فرعی در این رابطه این گونه مطرح می شود که: الف). آیا دیوان کیفری بین المللی از تصمیمات شورای امنیت تبعیت می نماید؟

ب). آیا دولتها (اعم از عضو یا غیر عضو) تعهدی در قبال دیوان در جهت اجرای موثر تصمیماتش دارند؟

درفرضیه های اصلی تحقیق نیز به این امر صحنه می گذاریم که دیوان کیفری بین المللی از ضمانت اجرایی به مفهوم حقوق بین المللی برخوردار است؛ هر چند که این ضمانت اجراها با توجه به ماهیت حقوق بین الملل کافی در جهت اجرای موثر تصمیمات دیوان نمی باشد. و در فرضیه مرتبط با سوال دوم اینگونه مطرح می شود که، به نظر می رسد ضمانت اجراهای پیش بینی شده در اساسنامه کافی برای اجرای موثر تصمیمات دیوان نمی باشند. در فرضیه های مرتبط با سوالات فرعی این تحقیق، به

ترتیب عنوان می شود که (الف) : به نظر می رسد که دیوان کیفری بین المللی از تصمیمات شورای امنیت تبعیت می نماید و همین امر سبب عدم ضمانت اجرای موثر تصمیمات دیوان می گردد.

(ب) : دولتهای عضو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به لحاظ عضویت در دیوان، متعهد به همکاری با دیوان در جهت اجرای موثر تصمیماتش هستند. و دولتهای غیر عضو نیز چنانچه توافقنامه ای با دیوان منعقد نموده باشند، ضروری است دیوان را در جهت اجرای موثر تصمیماتش یاری نمایند.

جایگاه بسیار مهم دیوان کیفری بین المللی در جامعه بین المللی وهدف آن در محاکمه افرادی که متهم به جرائم بین المللی مشخص هستند و ضمانت اجرایی را که این دیوان درنیل به این هدف و اجرای تصمیماتش برخوردار می باشد را می توان به عنوان دلایل اهمیت و انتخاب این موضوع عنوان داشت.

به عبارت دیگر بررسی ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین المللی در محاکمه افرادی که متهم به جرائم بین المللی مشخص در اساسنامه هستند، به عنوان هدف اصلی این تحقیق در نظر گرفته شده است.

لازم به توضیح است که در موضوعات مرتبط با دیوان کیفری بین المللی مقالات، کتابها و پایان نامه های نسبتاً زیادی به زبان های فارسی و انگلیسی نگارش یافته است . اگرچه ممکن است در این کتابها و مقالات (اعم از فارسی و انگلیسی) به جنبه های از موضوع « ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین المللی» به طور پراکنده پرداخته شده باشد اما با توجه به جستجوهای گردآورنده ی این تحقیق، مقاله یا کتاب یا پایان نامه ای (فارسی و انگلیسی) در ارتباط صریح با این موضوع نگاشته نشده است . علاوه برآن علی رغم وجود منابع کثیری در رابطه با این دیوان و تاثیر و تاثرآن در حقوق بین الملل، این تحقیق با قلت محسوس منابع تحقیقی در ارتباط مستقیم با این موضوع روبه رو بوده است. در کنار آن، مشکل بودن دسترسی به منابع خارجی را هم می توان به این محدودیت ها اضافه کرد .

روش تحقیق در این نوشتار توصیفی - تحلیلی است وگردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه و منابع اینترنت صورت خواهد گرفت .

در این راستا، ابتدا در بخش اول با توجه به ماهیت فرضیه اصلی به شرح مطالب مربوط به سیستم ضمانت اجراء در حقوق بین الملل پرداخته خواهد شد. در ادامه مباحث دربخش دوم، به بیان ضمانت اجرای ویژه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و در کنار آن ضمانت اجرای این نهاد کیفری بین المللی با سایر دادگاههای کیفری که قبل از آن تشکیل شده بودند به صورت تطبیقی بررسی می گردد. سپس به ضعف ها و نواقص این مرجع دایمی پرداخته خواهد شد. و در آخر، تحقیق با بیان نتیجه گیری به پایان خواهد رسید.

2. دیوان کیفری بین المللی

الف . بررسی چگونگی ایجاد محاکم کیفری اختصاصی بین المللی - بیان نقاط ضعف آنها
ونیز لزوم تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی

در شرح دیوان های کیفری اختصاصی بین المللی بعد از جنگ جهانی دوم که شامل دادگاه نورنبرگ و دادگاه توکیو می گردند باید گفت: بعد از جنگ جهانی دوم دول پیروز در کنفرانس لندن ، تصمیم به ایجاد دیوانی برای محاکمه مغلوبین در جنگ گرفتند. دادگاه نورنبرگ، محصول قدرت قانونگذاری دول پیروز بود که اقدام به تشکیل این دیوان کیفری بین المللی نموده بودند. و بدین ترتیب اولین دیوان، در فضای حقوق بین الملل تشکیل می گردد در این دادگاه سران جنایتکار، و سران آلمان نازی به اعدام و حبس، محکوم می گردند. به موازات همین دادگاه، اقدامات مشابهی به منظور محاکمه ی ژاپنی هایی که منجر به جنگ جهانی شده و کاملاً شبیه به دادگاه نورنبرگ بود می نمایند. اما در ارتباط با این دادگاه ها چهار انتقاد به شرح ذیل قابل بررسی می باشد:

- 1- تشکیل بنای این دادگاه ها براساس صلاحدید دول پیروز در جنگ،
- 2- عدم رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هادر آنها
- 3- یک مرحله ای بودن دادگاهها¹
- 4- موقتی بودن آنها از حیث زمانی (بعداز جنگ جهانی دوم)

دیوان های کیفری بین المللی بعد از پایان جنگ سرد :

از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی، منجر به وجود اختلاف واز بین رفتن تعادل در بین مرزها گردید. که در پی آن جنایت های بسیار عمیقی از جمله در یوگسلاوی سابق و رواندا در سطح داخلی به وقوع پیوست. شاید اگر این جنایت های در یک کشور آسیایی یا آفریقایی به وقوع می پیوست اهمیت آن به این اندازه نبود. شدت درگیری ها و نابسامانی های داخلی به حدی رسید که به جنایت بین المللی انجامید و آرامش و صلح و امنیت بین المللی را مورد مخاطره قرار داد. در این زمان، دو دیوان کیفری با هدف محاکمه جنایتکاران تشکیل گردید. اولین آن دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق بود، که شورای امنیت در سال 1993 در قطعنامه 827 خود در راستای اختیارات تحت فصل هفتم، به منظور رسیدگی به جنایات ارتكابی اقدام به تأسیس این دیوان موقت که رکن فرعی شورای امنیت

¹ . سید علی آزمایش، تقریرات درس حقوق کیفری بین المللی ، (دوره کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی .

می باشد می نماید. و اما اقدام مشابه دیگری در همین راستا در رواندا صورت پذیرفت - که شورای امنیت با توسل به قطعنامه 955، خود اقدام به تأسیس این دیوان می نماید. البته هنوز هم این دو دیوان فعال، و از انتقاداتی برخوردار می باشند :

- 1- شورای امنیت، یک رکن سیاسی است و این که یک رکن سیاسی بتواند یک نهاد قضایی تشکیل دهد، صلاحیت و بنای این دادگاه را زیر سؤال می برد.
- 2- اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها در این دادگاهها رعایت نگردیده است .
- 3- به مانند دادگاه های نورنبرگ و توکیو از لحاظ صلاحیت زمانی صرفاً صلاحیت رسیدگی به جنایات به وقوع پیوسته بعد از جنگ سرد را داشت . یعنی از لحاظ صلاحیت زمانی جرایم مربوط به گذشته، تا زمان تشکیل دیوان را در بر می گیرد . و (prospective) نمی باشد.

نسل سوم از دادگاهها (ملی - بین المللی)

بعد از تشکیل این دادگاه ها، با نسل سوم از دادگاهها همانند دادگاه های سیرالئون، کامبوج، تیمور شرقی، لبنان، که شورای امنیت طی قطعنامه ای مجوز را برای تشکیل این دیوان ها صادر می نماید مواجه می شویم که از خصلت ملی و بین المللی برخوردار می باشند. مشخصات این دیوان ها که از آن ها به عنوان دیوان های نسل سوم یاد می شود عبارتند از:

- 1- دارا بودن خصلت ملی و بین المللی
- 2- ضرورت تشکیل در چارچوب فصل هفتم
- 3- داشتن صلاحیت رسیدگی به جرائم داخلی

نسل چهارم از دادگاهها (دیوان کیفری بین المللی)

نسل چهارم از دادگاهها، همان دیوان کیفری بین المللی است . از ویژگیهای بارز آن این است که **اولاً:** موقت نمی باشد. **ثانیاً:** اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها در آن رعایت می گردد. **ثالثاً:** اصول دادرسی که در آن تعریف، و عادلانه تعیین شده است به عنوان ضمانت اجرای حقوق بین الملل به شمار می رود. **رابعاً:** صلاحیت این دیوان تکمیلی است . **خامساً:** حصر صلاحیت ذاتی دیوان در رسیدگی به جرایم شناخته شده در حقوق بین الملل عام است که از ویژگی خاص این دیوان می باشد. **سادساً:** برخلاف دادگاههای پس از پایان جنگ جهانی دوم و جنگ سرد که مربوط به

گذشته و جنایات بوقوع پیوسته در گذشته می شدند.¹ صلاحیت دیوان کیفری بین المللی مربوط به آینده (prospective) است و تمامی جرایم بعد از لازم الاجراء شدن اساسنامه را در بر می گیرد.²

ب. ضرورت ها و لزوم تأسیس دیوان کیفری بین المللی

و اما ضرورت هایی که موجب تأسیس دیوان کیفری بین المللی گردید بدین شرح بود:

اولاً: ارتکاب وسیع جرائم بین المللی

متأسفانه قرن بیستم خشونت بارترین قرن تاریخ بشری بوده است . علاوه بر بروز دوجنگ عالمگیر در نیمه اول این قرن، در پنجاه سال گذشته بیش از 250 مخاصمه در گوشه و کنار جهان رخ داده که در نتیجه آن بیش از 86 میلیون غیر نظامی (اغلب زن و کودک) جان باختند و حقوق بیش از 170 میلیون نفر نقض گردید، اموالشان از بین رفت و شان و حیثیتشان مورد تعرض قرار گرفت . به واقع در پنجاه سال گذشته جامعه بشری به کرات شاهد ارتکاب جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی فجیع و دهشتناک بوده است. به طور مثال تنها در کامبوج در دهه ی هفتاد بالغ بر 2 میلیون نفر به وسیله خمربهای سرخ کشته شدند . متأسفانه در دهه ی نود ارتکاب چنین جنایاتی در یوگسلاوی سابق ، رواندا و... به صورت سیستماتیک و برنامه ریزی شده نشان داد که مرتکبان و یا قربانیان جرائم بین المللی نه همواره از میان ملتی خاص و معین هستند و نه گذشت زمان بر دامنه شقاوت و بیرحمی آنها تاثیر می گذارد. بر این اساس بود که ریچارد گلدستون دادستان اسبق دادگاه های کیفری یوگسلاوی و رواندا در واپسین سالهای قرن بیستم اعلام داشت که " چنانچه بزودی دیوان کیفری بین المللی دائمی تأسیس نشود با کمال تاسف باید خاطر نشان سازم که قرن بیست و یکم از قرن بیستم خونبارتر خواهد بود ³ ". همین امر نشانه ی ضرورت تأسیس هرچه زودتر دیوان کیفری بین المللی بود.

ثانیاً: اهمال و کوتاهی های محاکم ملی در تعقیب مجرمان بین المللی

از آنجایی که هریک از مجرمان تابعان دولتی خاص می باشند ممکن است محاکم داخلی - ملی، که مجرمان به آن ها تعلق دارند در تعقیب و مجازات آن ها کوتاهی و قصور نمایند. بنابراین وجود یک

¹ Jurisdiction ratione temporis

² . ماده 11 اساسنامه دیوان کیفری بین المللی .

³ . سید قاسم زمانی ، " استقرار دیوان کیفری بین المللی : بیم ها و امیدها " ، مجله پژوهش های حقوقی ، ص 62 به نقل از :

Goldstone , R., " Assessing the Work of the United Nations War Crimes Tribunals " , SJIL., winter ۱۹۹۷, Vol . ۳۳, No. ۱ , p. ۸.

مرجع دایمی برای به کیفر رساندن این مجرمان لازم و ضروری بوده و در این مورد تردیدی روا نیست. از سوی دیگر نمی توان در تعقیب و مجازات جنایتکاران بین المللی به محاکم ملی اعتماد نمود. اگر چه دولت هایی نیز وجود دارند که توان و یا انگیزه ی کافی برای مقابله با جرایم بین المللی سازمان یافته را ندارند اما نباید فراموش کرد که غالباً دولت ها اراده سیاسی لازم برای سرکوبی جرایم بین المللی شهروندان خود به ویژه زمانی که این افراد در زمره مأموران رده بالای حکومتی هستند و عملاً دولت ذی ربط خود مباشر یا معاون این اعمال مجرمانه بین المللی به شمار می رود را ندارند. بنابراین محاکم ملی، قادر یا مایل به تعقیب مجرمان نبوده، و نیستند.¹

ثالثاً: محدوده اشتغالات قضایی دیوان بین المللی دادگستری²

دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) طبق فصل دوم اساسنامه آن، در بند 1 از ماده 34 فقط اختصاص به دولتها یافته است و تنها به رسیدگی به اختلافات دولت ها و صدور رأی مشورتی با شرایط خاص می پردازد. بر این اساس اختیارات محدودی در اساسنامه به آن داده شده است و اشخاص به طور مستقیم حق مراجعه به دیوان را ندارند و توسط آن قابل تعقیب نیستند. بنابراین نوعی خلاء در مجازات جرائم بین المللی ارتکاب یافته توسط افراد، به چشم می خورد و وجود دیوانی دائمی برای این منظور ضرورت می یابد.

رابعاً: عدم کفایت محاکم اختصاصی بین المللی⁴

همان طور که بیان شد بعد از پایان جنگ سرد وقوع برخی جنایات در قلمروی داخلی کشورها (که منتهی به کشته و زخمی شدن میلیون ها انسان گردید) منجر به تشکیل محاکم اختصاصی به منظور تعقیب و مجازات برخی مرتکبان گشت. ایجاد محاکم نظامی نورنبرگ و توکیو برای مجازات جنایتکاران جنگ جهانی دوم و در دهه نود نیز ابعاد جنایات ارتكابی در سرزمین یوگسلاوی سابق و نیز در رواندا، شورای امنیت سازمان ملل متحد را به تأسیس محاکم کیفری اختصاصی وادار نمود تا مرتکبان جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل کشی را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهند. اما به خوبی پیداست که ایجاد محاکم اختصاصی بین المللی نمی تواند نیاز جامعه بین المللی به داشتن یک دیوان کیفری بین المللی را برطرف سازد. نفس ایجاد چنان محکمه اختصاصی نوعی دادرسی گزینشی

¹ . سید قاسم زمانی ، " استقرار دیوان کیفری بین المللی : بیم ها و امیدها " ، مجله پژوهش های حقوقی ، سال اول ، ش 2 ، نیمسال دوم سال 1381، صص 61 و 63 .

² . همان . ص 63 .

³ . The international court of justice (۱۹۴۵) .

⁴ . سید قاسم زمانی ، همان . ص 64 .

را به ذهن متبادر می سازد و ذهن عموم را با این سوال مواجه می سازد که : چرا نباید در سایر موارد مشابه جرائم بین المللی مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرد ؟ علاوه بر این وجود این نوع محاکم کیفری اختصاصی اولاً: به طور موقت می باشد ثانیاً: عدم رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در آن ها به وضوح نمایان است.

به رغم عدم کفایت محاکم اختصاصی بین المللی در مقابله با جرائم بین المللی ، نفس وجود چنین محاکمی اثبات نمود که اعمال دادرسی کیفری بین المللی می تواند از حرف به عمل مبدل گردد.¹ تأسیس محاکم اختصاصی یوگسلاوی و رواندا توسط شورای امنیت باعث شد که کمیسیون حقوق بین الملل با شوقی وافر و جهدی بی نظیر ظرف کمتر از یکسال از تاریخ ایجاد دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی را آماده سازد.²

خامساً: صلاحیت زمانی مربوط به جرایم به وقوع پیوسته در آینده

همانطور که بیان شد دادگاههای بعد از پایان جنگ جهانی دوم و بعد از پایان جنگ سرد، از لحاظ صلاحیت زمانی جرایم به وقوع پیوسته در همان دوره را شامل می شدند و از لحاظ صلاحیت زمانی، به آینده (prospective) مرتبط نمی گردیدند . بنابراین اینکه ICC جرایم به وقوع پیوسته در آینده را هم در بر می گیرد را هم می توان به عنوان یکی از ضرورت های تأسیس این نهاد بین المللی برشمرد.

سادساً: دادرسی عادلانه محاکم کیفری بین المللی

نحوه ی فعالیت دادگاه های کیفری بین المللی و اجرای عدالت و دادگستری در سطح بین المللی در مقایسه با محاکم ملی دارای ویژگی ها و تمایزاتی است که بررسی آنها ابعاد تازه ای را از ضرورت تأسیس این دیوان روشن می نمایند.

محاکم کیفری بین المللی ارگان های جامعه بین المللی هستند که برای اجرای عدالت کیفری در تکمیل سیستم های دادرسی کیفری ملی پدید آمده اند. افراد اصولاً تحت حاکمیت و صلاحیت دولت ها هستند، اگر عاملان جنایات توسط محاکم ملی به طور عادلانه مورد محاکمه قرار گیرند، و عدالت کیفری در نظام های داخلی به طور مؤثر به اجرا درآید، دیگر نیازی به تأسیس دادگاه های کیفری بین المللی احساس نخواهد شد، پس حرکت جامعه بین المللی به سوی برپایی محاکمات

¹ . همان ص 65 به نقل از :

Kittichaisaree, K., International Criminal Law , Oxford, ۲۰۰۱, p. ۳۲۵.

².Report Of the ILC , ۱۹۹۴. UN Doc . A/۴۹. ۱۰ , PP. ۴۳- ۱۶۱.